

جامه باو هنرهای عامیانه در آنچه برون

هوشنگ پور کریم

به سختی نمود ببالد و خانه یا آلاچیق را روفت و روب کند و در دود و دم تنور نان ببندد . . . و ضمناً از پیرایش و آرایش خود و جامه‌ها و زیورهایش هم غافل نشود . این هر دو جنبه ، برای شوهرش و فرزند یا فرزندانش به راستی موهبتی شده است .

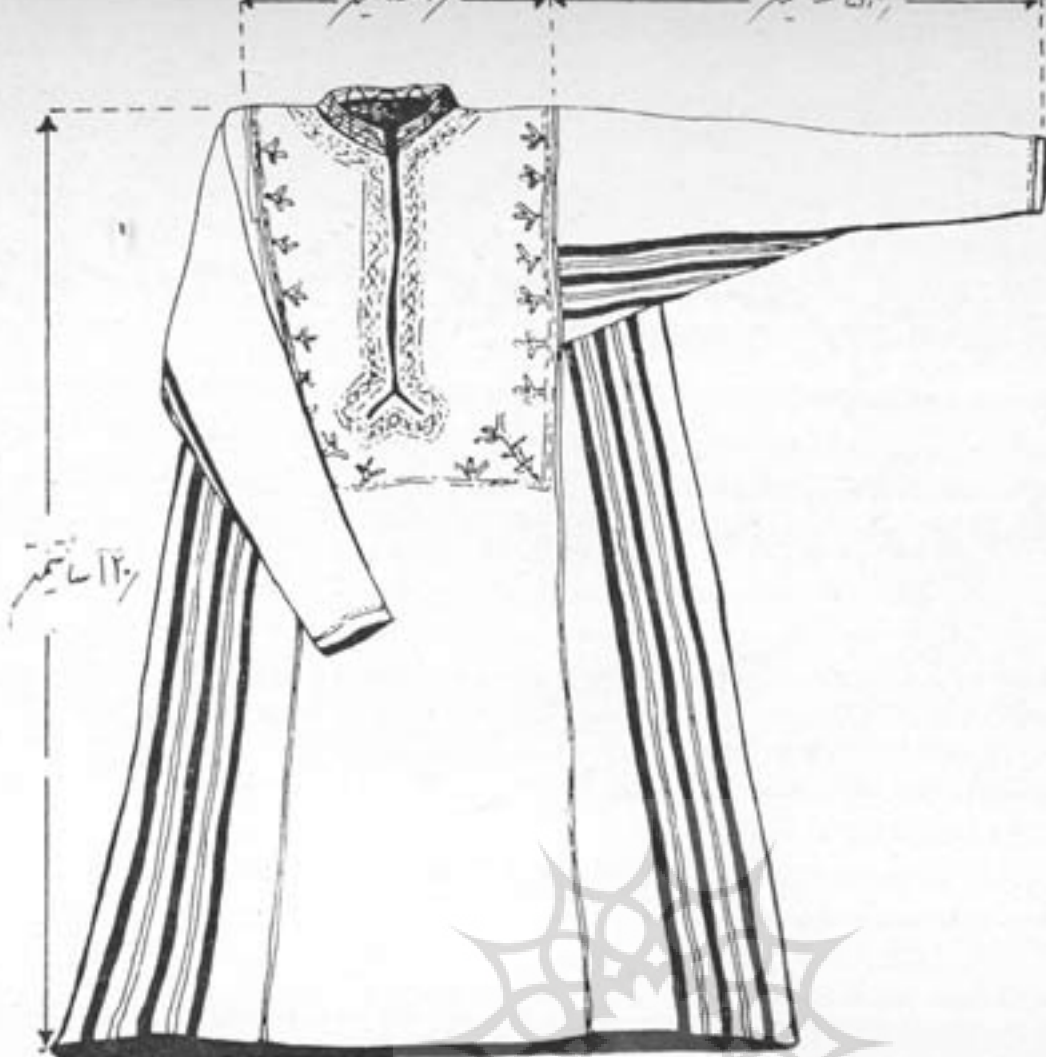
پیراهن دختران و زنان از پارچه گلدار است که از شهر و یا از دکاندارهای اینچه برون می‌خرند و خودشان می‌دوزند . این پیراهن را که دامن گشاد و درازی دارد به گویش خودشان « کویناک koynak » می‌نامند و آنرا چه در زمستان و چه در تابستان به تن می‌کنند با این تفاوت که زمستانها بر روی آن بالاپوشی هم می‌پوشند . یقه این پیراهن تا زیر پستان باز می‌شود که تا در وقت شیر دادن کودک در مضیقه نباشند . البته در شرایط معمولی یا قلابدوزی دوطرفش از بالا به وسیله

در مقاله حاضر ، به دنبال مطالبی که تا کنون از ترکمنهای ایران و دهکده ترکمن نشین « اینچه برون ince burun » خوانده‌ایم ، توصیف جامه‌ها و زیورهای زنان اینچه برون را مطالعه می‌کنیم و نیز توصیف جامه‌های مردان را . بعد هم ، در همین مقاله ، وصف هنرهای عامیانه اینچه برون را می‌خوانیم و به نقش و نگار قالبچه‌ها و نمدهاشان نیز می‌پردازیم .

جامه‌های زنان اینچه برون مانند جامه‌های همه زنان ترکمن از جامه‌های مردان گیرا تر است و زیباتر . زن اینچه برون هم باید به کارهای سخت خانه و زندگی برسد و هم به سرور بخت خودش تا از شکل و قیافه نیفتد . مثلاً باید که

راست : يك زوج اینچه برون با جامه‌های معمول در « اینچه برون » . چپ : مردان در فصل زمستان معمولاً پوستین می‌پوشند .





به کار می‌برند. این کلاه‌ها را دختران تا وقتی که هنوز شوهر نکرده‌اند بر سر می‌نهند و موهای آنان از زیر این کلاه که «بُرک» *borok* می‌نامند با چهار رشته گیسو در جلو شانه و روی سینه آویخته می‌شود.

همین دختران وقتی که عروسی می‌کنند کلاه را از سر می‌گیرند و در از آن یک پیشانی‌بند بر سر می‌نهند که از پارچهٔ سرخ و گلدار به اندازهٔ سرشان می‌دوزند و بر روی روسری نقش‌داری به نام «پوپک یالق» *pupek yaleq* به سر می‌نهند و گیسوها را به پشت سر می‌اندازند و همان پشت با «آسخ» *âsex* و «مونجو» *munjuq* مهار می‌کنند که از زیست‌های زنانه است.

زنان، پارچهٔ پیشانی‌بند خودشان را که به گوش ترکمنی «آلانگی» *allangi* می‌نامند، مانند تازه‌عروسان نمی‌دوزند. بلکه، به دور سر و بر روی «پوپک یالق» می‌بچند و گره می‌زنند. وقتی که بخواهند به شهر یا به مهمانی و عروسی بروند، علاوه بر «پوپک یالق» و «آلانگی»، روسری‌های گرافیتی به نام «چارقند» *çarqad* به سر می‌اندازند که گاهی بیش از صد تومان می‌خرند. این روسری‌ها، که با ریشه‌های آویخته‌اش تا ساق پاها هم می‌رسد، چهار گوشه‌است،

«گل‌بچه» بسته می‌ماند. حاشیهٔ این بچه و نیز حاشیهٔ سر آستین‌ها را با نقش‌های ظریف و ساده‌ای سوزن‌دوزی می‌کنند. آستین پیراهن چندان بلند و تنگ نیست. ولی دامن پیراهن، بر روی شلوار، تا پائین‌تر از زانو‌ها می‌رسد. آندر که نقش‌ونگارهای زیبای سوزن‌دوزی شده در محل مجرای شلوارشان پیدا باشد.

شلوار زنانه که به گویش خودشان آن را «بَلَّاق» *balaq* می‌نامند دوخت و دوز مفصلی لازم دارد. بالای شلوار را تا زانو‌ها از پارچهٔ ارزان و ساده‌ای خیلی گشاد و لیفه‌دار و خشتک آن را از پارچهٔ نقشین محکم می‌دوزند. بعد از زانو به پائین را با پارچهٔ آستر دوزی شده‌ی درست می‌کنند که پوام بیاورد. همین قسمت شلوار که در محل زانو خیلی گشاد و در محل ساق پا تنگ می‌شود باید به پارچهٔ آستر دار سوزن‌دوزی شده‌ی وصل شود که در محل مچ پا قرار می‌گیرد و شرح آن را با آن همه نقش‌ونگارهای کوچک بقم نمی‌توان آورد باید تصویر یا طرحش را ضمیمه کرد. این قدر بدانیم که زنان ترکمن به این قسمت از شلوار که مچ‌پاهایشان را می‌پوشاند به سختی دلبستگی نشان می‌دهند و هر روز غالباً یکی دو ساعت را به سوزن‌دوزی این نقش‌ونگارهای زیبا می‌گذرانند.

نقش‌های سوزن‌دوزی را در کلاه دختر بچه‌ها هم



با درازا و پهنای کم و بیش یکمتر و نیم . ولی زنان وقتی که می‌خواهند آنرا به سر بگذارند از وسط تا می‌کنند که مانند لچک سه گوشه می‌شود .

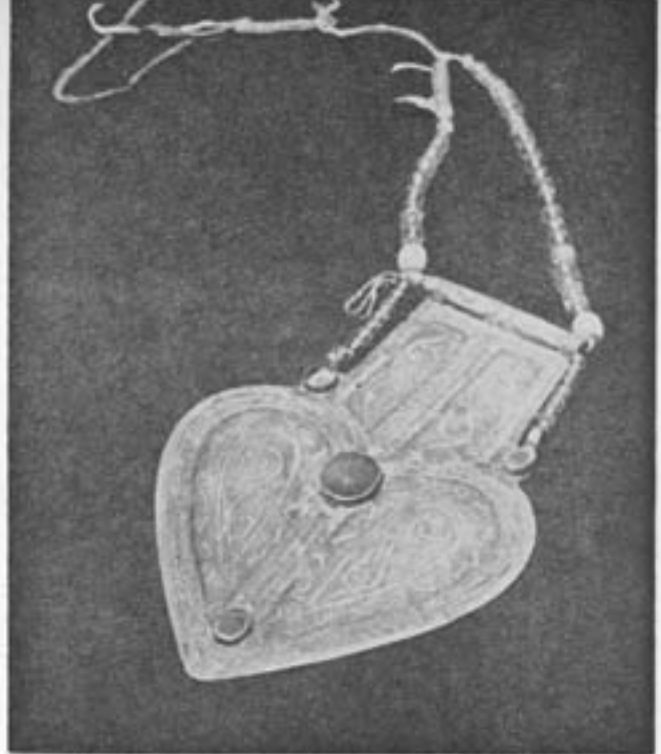
بر روی این چارقدها و در رنگ زمینه آبی یا سبز آنها نقش گل‌های سرخ و زرد به نحو مطلوبی برجسته و طبیعی جلوه می‌کند . وقتی گروهی از زنان ترکمن در راهی دیده می‌شوند که این روسریهای خوش رنگ و گل را بر سر دارند ، باحرکات سروتن آنان و باحرکات این روسریها چنین توهم می‌شود که گل‌ها به رقص آمده‌اند یا گوشه‌ئی از یک گلستان واقعی به حرکت افتاده است . هر رهگذری در لذت مشاهده آن رنگ و گل‌ها ناگزیر به تماشا می‌ایستد تا چشم و دل را سیر کند . به راستی ، برای مردمی که در صحراها زیسته‌اند ، مردمی که گلی را بر شاخه‌ئی ، یا نهالی را دریاچه‌ئی کمتر می‌دیدند ، مشاهده این گل‌ها بر سر وجان گل‌های واقعی زندگی خودشان چه لذت بخش است . بی‌جهت نیست که مردان ترکمن بهترین زیورهارا برای زنانشان می‌ستانند تا زیبایی پر منزلت آنها باز هم بیفزاید .

گاهی به جای این روسریها ، چادرشبهائی بر سر می‌نهند که همان اندازه گرانقیمت است ، ولی به همان اندازه زیبا نیست . نقش این چادرشبهها شطرنجی و رنگهایش ، آبی ، سرخ ، سبز و زرد است . عروس‌ها را هم وقتی که به خانه داماد می‌برند ،

بالا چپ : زنان وقتی که غریبه‌ای به آنان می‌رسد یا وقتی که در نزد مردان و سرپرستان محترم خانواده هستند . در تصویر قسمتی از نقوش روسری گران قیمتی که آنرا چارقد می‌نامند پیداست . پایین راست : گل‌ریشه ، و انواع گردنبندها ضروری‌ترین زینت هر زن اینچه‌بورونی است . پایین چپ : «آلانگی» را روی یالاق و دوسر می‌بچند .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجله علمی علوم انسانی



راست: «آخ» زوری است که نوعی درختسبز به گیسو می‌آورند. چپ: زنان اینچه‌بورونی به کلاه نوزادان سکه می‌دوزند و هر وقت که به همسانی می‌روند علاوه بر «یالق» روسری بزرگ دیگری هم به سر می‌نهند که آنرا «چش» می‌نامند.

دکانداران ده و شهر در دسترس ترکمنهای دشت‌گردگان قرار می‌گیرند. پرورش کرم ابریشم و به عمل آوردن ابریشم از کارهای عمدتاً زنان «گوکلن» است که در دهکده‌های کوهستانی منطقه «گوکلن» سر می‌برند. دربارهٔ پرورش کرم ابریشم و ابریشم‌بافی گوکلنهای مطالبی در چهارمین مقاله «ترکمنهای ایران» نوشته شد که در شمارهٔ شصت و سوم «هنرمردم» به طبع رسیده است.

معمولاً با همین چادرشها می‌پوشانند که به گویش خودشان «چش» «caço» می‌نامند.

۱- واژهٔ «چش» «caço» کاملاً فارسی است و مخفف «چادرش» است. «چ» = چادر، «ش» = شب. چادرشها را زنان طایفهٔ «گوکلن» در کارگاه‌های کوچک بافتند که با واسطهٔ

راست: زن اینچه‌بورونی «یالق» به سردارد و روی پیراهن «چود» پوشیده است. آستین سکه‌دوزی شده چود در تصویر پیدا است. چپ: مردان در فصل زمستان معمولاً پوستین می‌پوشند.



جامه مردان :

برای مردان اینچه بورونی ، از جامه های ترکمنی ، کلاه پوستین باقی مانده است و بالاپوش پوستین ؛ و گرنه پیراهن و کت و شلوارشان همان است که مردم شهرها می پوشند . چرا ، در زمستان ها چاروقی به پا می کنند ، از پوست گاو یا شتر . یک جفت پایبج پشمی سفید هم در زیرش به دور پا می پیچند که زنانشان می بافند و نامش « دلاق dolâq » یا « دلاخ dolâx » است . پهنای « دلاق » ده دوازده سانتیمتر و درازایش به یک متر می رسد .

مردان اینچه بورونی چاروق را خودشان درست می کنند . با یک تکه چرم شتر یا گاو که به اندازه می برند و نیم ساعتی در آب می گذارند تا خیس بخورد و نرم بشود . بعد هم دورش را سوراخ می کنند و پنجه اش را با باریکشی که از همان چرم بریده اند درز می گیرند . چاروق را وقتی که به پا می کنند با ریسمانی پشمی به دور پا می بندند . شرح چاروق را به قلم نمی شود آورد باید تصویرش را دید که خیلی هم به چاروق های مازندرانی ها شباهت دارد . همان شباهتی که از نامش هم پیداست . چاروق را در روزهای بارانی به پا می کنند ، یا روزهایی که باید برای آبیاری و جوی کتی بروند و گرنه کفش معمولی آنها همان است که از شهر می خرید .

یک نوع کفش دیگری هم دارند به نام « یلکن - yalkan » که تابستان ها می پوشند . کفش نیست ، یک تکه چرم شتر یا یک تکه لاستیک است به سه تا سوراخ ، یکی در پنجه و دو تا در پهلوها و چند تکه ریسمان که به آن سوراخ ها بند کرده اند . اینقدر که « یلکن » را زیر پا نگهدارد . این را هم باید تصویر داد . شرحش را نوشتن نه مقدور است و نه مطلوب . اینک بپردازیم به پوستین که روپوش زمستانی مردان است و از پوست می سازند ؛ پوست گوسفند یا پوست بتره . آستینش تنگ و خنجر از دامنش تا زیر زانو ها می رسد . در جلو پوستین سگمه و یا قلاب نیست ، ناچار وقتی که می پوشند با دو دست جلوی دامنش را می گیرند تا از هم باز نشود . اما هر وقت که می خواهند به کاری مشغول بشوند ، یا براسب بنشینند ، روی پوستین و دور کمر را با شال می بندند . نام پوستین به گویش ترکمنی « اوجمک ucmağ » یا « ایچمک icmağ » است و اگر آن را از پوست بتره بدوزند « سلیکم اوجمک - salikma ucmağ » می نامند .

پوستین دوزی به عهد زنان است . آنها برای دوختن هر پوستین ، باید پنج شش پوست گوسفند یا هفت هشت پوست بتره را به عمل بیاورند . به این ترتیب که پوست را وقتی از تن حیوان کنده شد می شورند و رویش را (آن طرف که چرم می شود) آرد جو و نمک و دوغ می ریزند و می گذارند شش هفت روز در آفتاب بماند و خشک بشود . بعد هم با خشت و آجر می مالند

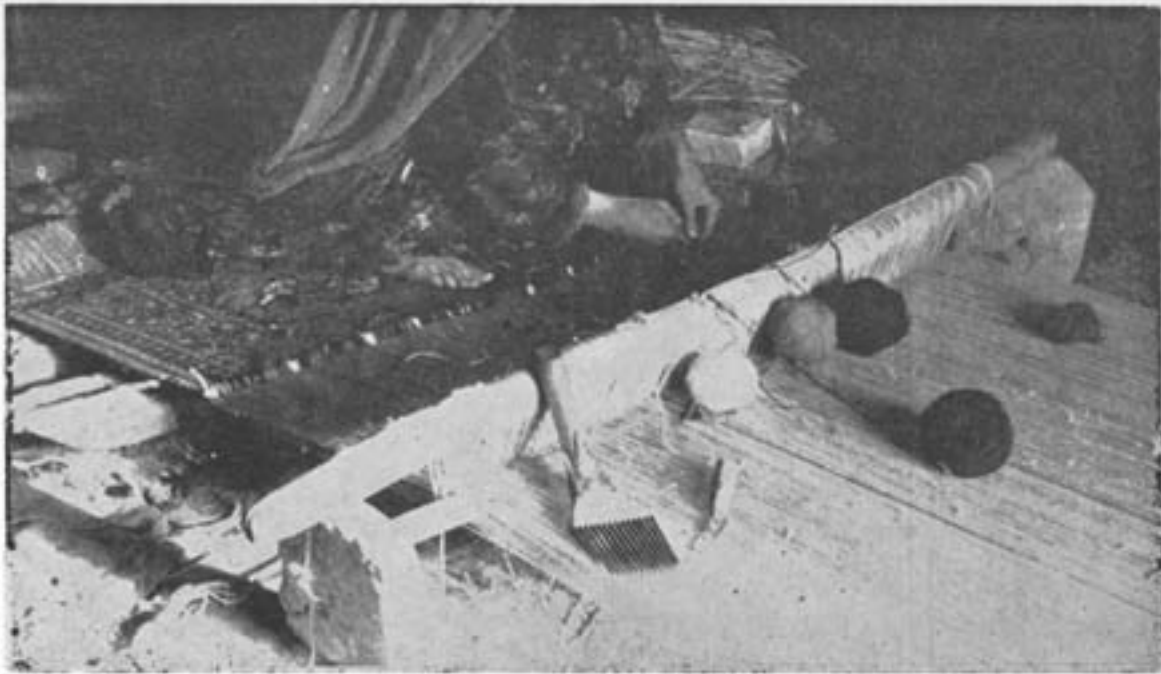
در زمستان وقتی که زنان می خواهند به مهمانی یا به عروسی بروند بر روی پیراهن و در زیر چادرش بالاپوشی به تن می کنند که از مخمل سبز یا آبی تند رنگ و یا آسترچیت گلدار می دوزند . این بالاپوش که به گویش خودشان « چپود caved » نامیده می شود آستین کوتاهی دارد که حتی به آرنج هم نمی رسد . ولی دور آستین و روی دامنش را هر قدر که داشته باشند سگمدوزی می کنند . سگمه های تفره قدیمی که حکام به نام و نشان خود ضرب کرده بودند . وقتی « چود » سگمدوزی شده یک زن ترکمن را می بینیم ، انگار که در یک موزه باستان شناسی به مشاهده غرفه سگمه ها رفته ایم . آنهمه نام از خان و سلطان و دارالخلافه بردمان یک « چپود » .

زنان وقتی که آبتن باشند ، یا وقتی که تازه از آبتنی فراغت یافته باشند ، یا هر وقت که کارشان سنگین شود ، بر روی پیراهن و دور کمر شال سیاهی می بندند که به گویش خودشان « قوشق qoşuq » می نامند . این شال دوسه متر درازا دارد و چند دور به گرد کمرشان حلقه می شود .

این را هم بدانیم که زنان اینچه بورونی هر قدر به سروتن لباس می پوشانند از کفش و جوراب غفلت می کنند . مگر وقتی که به عروسی می روند یا به سالی یکی دوبار در پی کاری می خواهند به « گنبد کاووس » بروند کفش به پا می کنند . از همین کفش های چرمی یا لاستیکی معمول در شهر که خودشان « کاش kaş » می نامند .

نوعی کفش که از چرم شتر یا از لاستیک می سازند و آنرا یلکن می نامند .





تصویر یکی از دستگاههای قالیچه‌بافی اینجه‌بورونی‌ها

عرض و طول ندارد. قالیچه‌هایی که با این دستگاه‌ها بافته می‌شود نیز معمولاً یک متر و چند سانتیمتر عرض و اندکی بیشتر از یک متر و نیم طول دارد. برای بافتن این چنین قالیچه‌هایی باید دو یا چند بافنده، بیش از چند ماه وقت صرف بکنند و هر روز تا پاسی از شب به بافتن مشغول باشند.

واحد اندازه‌گیری ترکمنها و از جمله اینجه‌بورونی‌ها برای بافتنی‌ها «ایاق» ayâq است که در حدود سی سانتیمتر طول دارد و قالی‌ها و قالیچه‌های خود را در وقت خرید و فروش با آن واحد اندازه‌گیری می‌کنند. مثلاً، قالیچه‌ای را که صد و پنجاه و هشت سانتیمتر طول و صد و سه سانتیمتر عرض داشته باشد «تارچه» ایاق می‌دانند و قالیچه‌های ریز بافت و مرغوب را ایاقی بیست و پنج تا سی و چند تومان خرید و فروش می‌کنند. نخ‌ها را که برای تار قالی مصرف می‌کنند و «ارش» ارش می‌نامند از شهر می‌خرند. ولی پشم قالی را که گره‌های قالی با آن بافته می‌شود، خودشان از پشم گوسفندشان می‌ریسند و رنگ می‌کنند. پشم را پیش از آن که بریسند، ابتدا می‌شویند و بعد از خشک کردن، با «یون دارق» - yun daraq «شانه می‌کنند که پایینی چوبی و شانه‌ای آهنی دارد. پشم شانه‌شده را با دوک ساده‌ای می‌ریسند که آن را «ایک» ik می‌نامند. شانه کردن و ریسیدن پشم معمولاً از

ووقتی که آن را تکاندند کمی پوست انار سائیده شده و رنگ قرمز به رویش می‌ریزند و آب می‌باشند و یک روز دیگر هم می‌گذارند بماند. آن وقت پوست را با دست می‌مالند تا نرم شود و به عمل بیاید.

رنگ این پوست‌ها معمولاً زرد لیمونی است. وقتی که دوخته شود و به تن بنشیند نور و گرمی خاصی دارد که در آن هوای زمستان با آن کلاه و آن اسب و آن صحرا یک ترکیب کامل ترکمنی می‌سازد. در صورتیکه دورنمای چند آلاچیق هم دیده شود. زیرا با آن تصویری که اینک از آلاچیق داریم این ترکیب را بهتر احساس خواهیم کرد.

هنرهای عامیانه

هنر زن ترکمن، قالی‌بافی، نمد مالی، سوزن‌دوزی، خورجین و گلیم‌بافی است. از این هنرها، قالی‌بافی در اقصی‌ات خانواده نقش مهمی دارد. به همین علت در بیشتر خانه‌ها یا آلاچیق‌های «اینجه‌بورون»، یک دستگاه قالی‌بافی دیده می‌شود که زن یا دختران خانواده با آن به قالی‌بافی مشغولند.

دستگاه‌های قالی‌بافی در «اینجه‌بورون»، مانند جاهای دیگر ترکمن صحرا به وضع افقی در کف اتاق یا آلاچیق کارگذارده شده است. هر دستگاه شامل چند تیر و تخته است که به راحتی می‌توانند آنها را برچینند و در موقع لزوم کار بگذارند. دستگاههای قالیچه‌بافی معمولاً بیشتر از دوسه متر

۲- «ایاق» به ترکمنی معنی «پا» را دارد که مقدار آن با «فوت» (پا) انگلیسی که ۳۰/۴۸ سانتیمتر است برابری دارد.

قالیچه متمایز است. اساس نقش‌بندی و ترکیب نقوش درقالیچه‌ها یا قالی‌های ترکمنی با آنچه در مناطق دیگر ایران معمول است کاملاً تفاوت دارد. در کاشان یا اصفهان و کرمان و نیز در مناطق دیگر ایران که قالی‌بافی دارند، در قسمت وسط قالی یا قالیچه معمولاً «ترنج» نقش می‌کنند و دوروبر این نقش مرکزی را با گل‌بوته‌ها و نقوش «اسیمی» و «ختائی» می‌پوشانند و در چهار گوشه متن نیز نقش‌های «ربع‌ترنج» یا لچک «بکار» می‌برند و همه این متن را با یک یا چند حاشیه دارای نقوش مکرر محدود می‌کنند. ولی درقالیچه یا قالی‌های ترکمنی

۳- البته در قالی‌های ایرانی، غیر از این نوع نقش‌بندی که به «لچک‌ترنج» معروف است، نقش‌های «هرانی»، «بوته‌ای»، «بید معنوی»، «شاه‌عاسی»، «نقش‌چوشقانی» و نیز نقش‌های دیگری هم معمول است. ولی در همه این نوع نقش‌بندی‌ها، در قسمت مرکزی متن، نقشی متمایز از نقش‌های دیگر متن شناخته و بکار برده می‌شود.

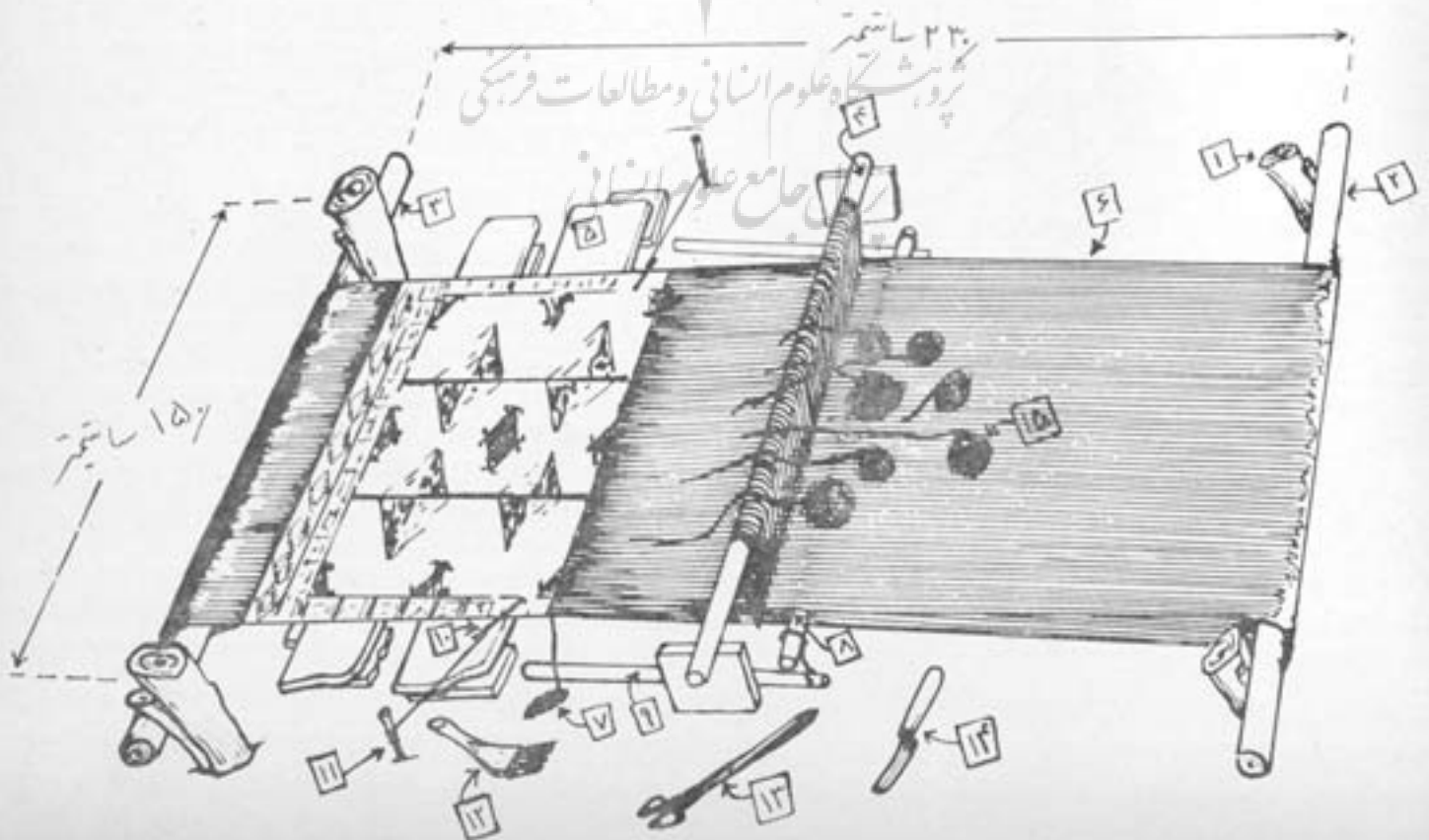
کارهای زنان سالمند است. ولی بافتن قالیچه در عهده زنان جوان و دختران است که چشمانی حسّاس و انگشتانی باریک و ظریف دارند.

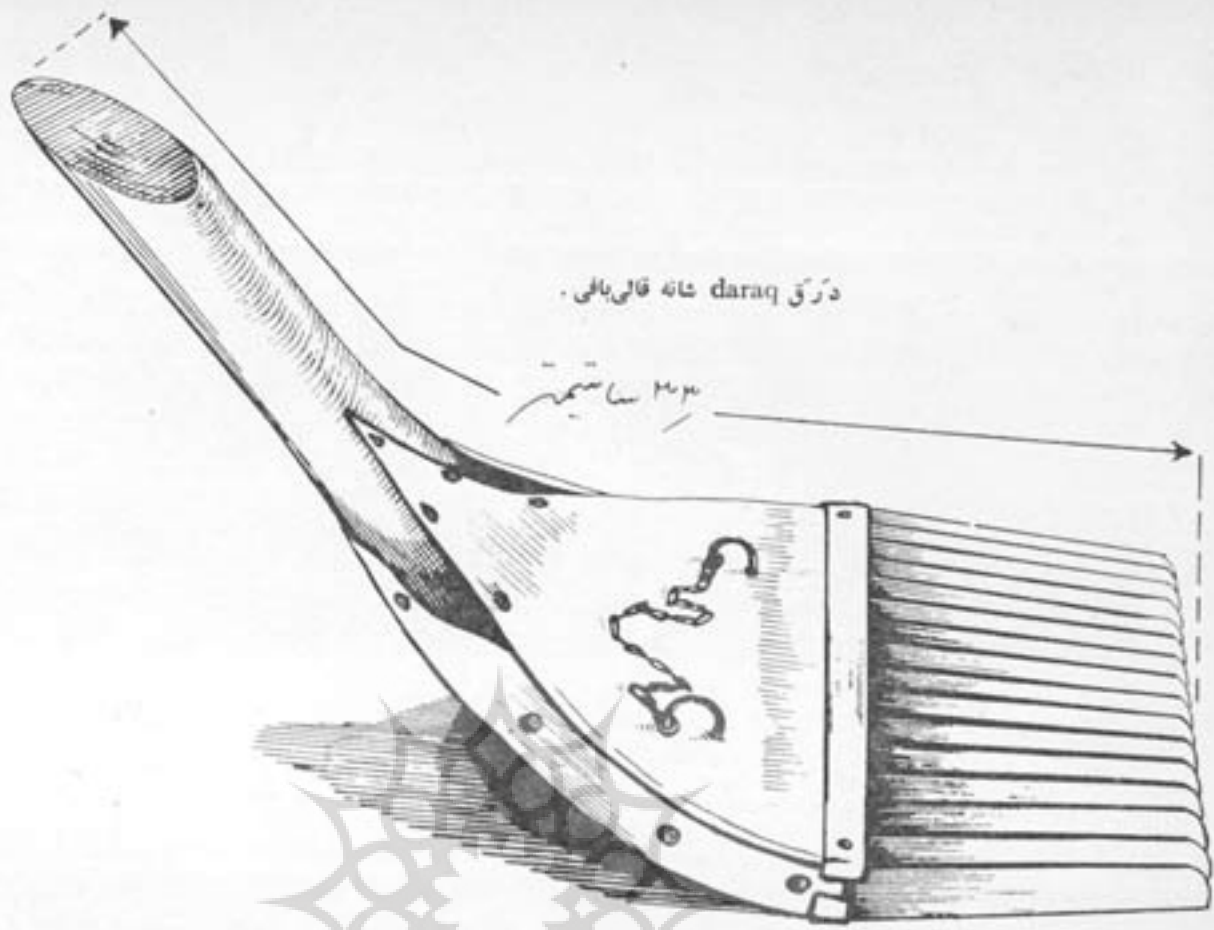
رنگهائی که درقالیچه‌ها بکار می‌برند معمولاً از چند رنگ ساده و محدود تجاوز نمی‌کند. رنگ سرخ را «نارنج» - «nârenj»، رنگ نارنجی را «ساری sâri» (زرد)، رنگ سبز را «یاشل yâşel»، و رنگ آبی سیر (سرمه‌ای) را «گوک gowk» می‌نامند. از این رنگ‌ها، رنگ سرخ را بیش از رنگ‌های دیگر به کار می‌برند و معمولاً زمینه قالی یا قالیچه را با رنگ سرخ می‌بافند.

نقش قالیچه‌ها، هندسی و محدود و مکرر است. به نظر می‌رسد که یکی از علل زیبایی قالیچه ترکمنی، محدود بودن نقش‌ها و هندسی بودن آنها و نیز محدود بودن رنگ‌ها باشد. نقش‌هایی که در حاشیه بکار برده می‌شود، از نقش‌های متن

طرح یکی از دستگاههای قالیچه‌بافی اینجه‌بورونی‌ها که با دستگاههای قالیچه‌بافی ترکمنهای دیگر ایران کاملاً مشابه است. نامهای ترکمنی اجزاء و قسمتهای مختلف آن ضبط شده‌است:

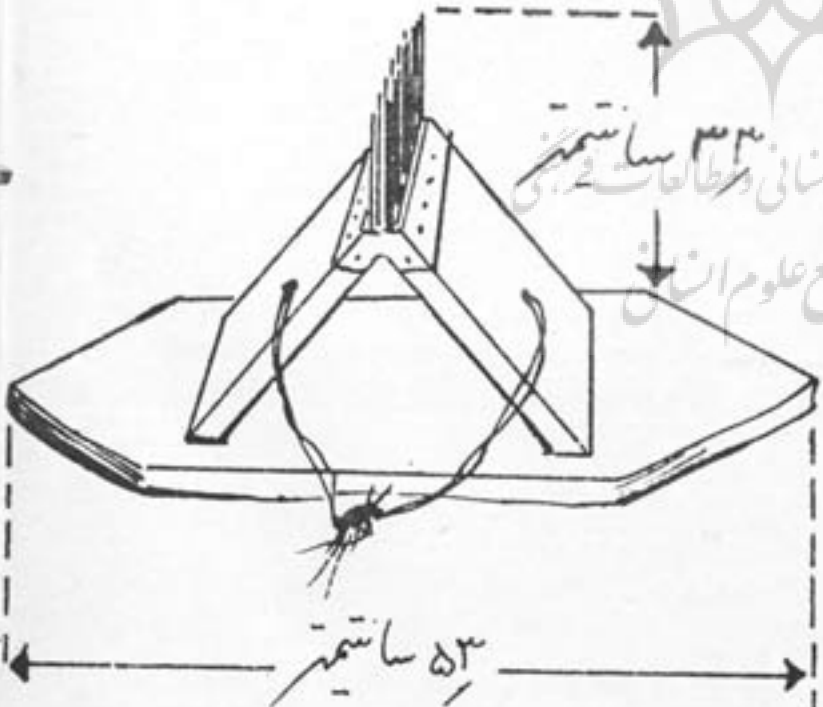
dart qec	۹ - درت قج	qâzeq	۱ - قازق
anu uc	۱۰ - او اوج	evamakki kesalik	۲ - اوونکی کسلیک
anu uc qâzeq	۱۱ - او اوج قازق	ser tenakki kesalik	۳ - سرتنکی کسلیک
daraq	۱۲ - درق	kujo utaranj	۴ - کوچ اوترنج
senni	۱۳ - سنی	taxta	۵ - تخته
kesar	۱۴ - کسر	erç	۶ - ارش (تار)
yemaq	۱۵ - یماق	bâsleq	۷ - باسلق
		darti	۸ - درتی





دَرَقِ شاه قالی باقی .

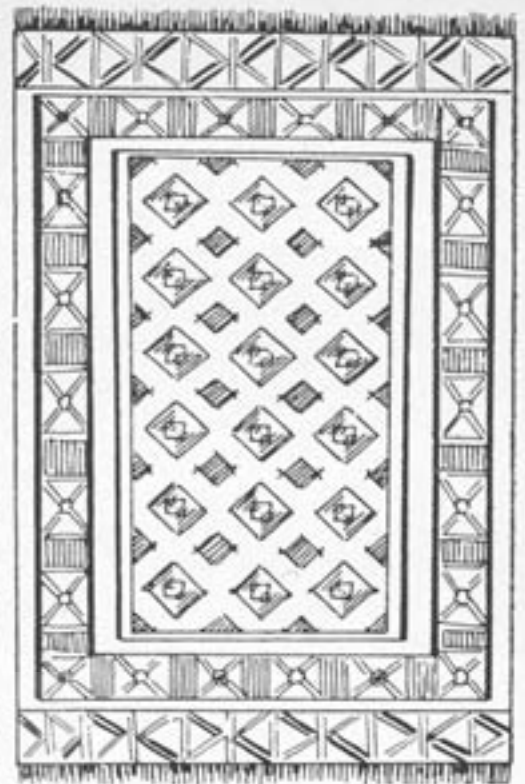
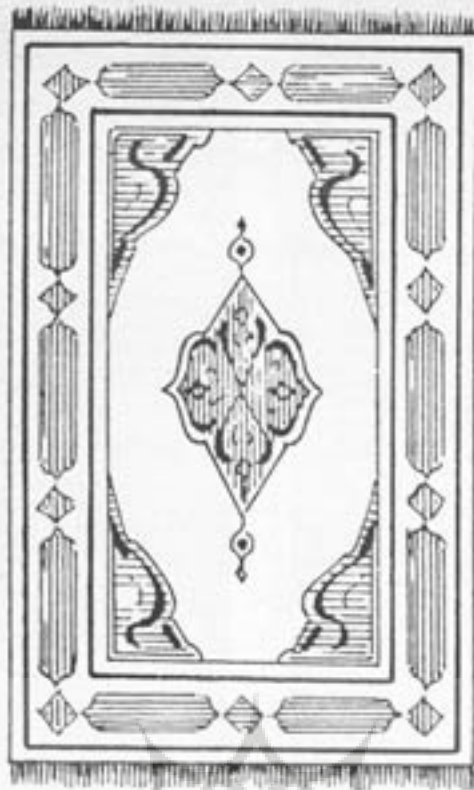
۳۰ سانتیمتر



۵۳ سانتیمتر

با وجودی که حاشیه‌بندی مراعات می‌شود، ترکیب نقوش متن اساساً با آنچه که توصیف شد تفاوت می‌کند. ترکمن‌ها و از جمله اینچه‌بورونی‌ها نقش مرکزی مشخصی در متن قالی یا قالیچه‌هاشان بکار نمی‌برند و نیز برای چهار گوشه متن نقوشی متمایز از نقش‌های دیگر متن نمی‌شناسند. آنها سراسر متن را با نقش‌های هندسی منظم و مکرر می‌پوشانند، بی‌آنکه برای قسمتی از متن رجحانی نسبت به قسمتهای دیگر قائل باشند. برای نقش‌ها نامهایی می‌شناسند که بعضی از آن نامها معنی دارد. «قوچ» «qoc» (قوچ)، «آلم» «alem»، «آلیج» «aleja» (خط وخال‌دار)، «قوش» «quç» (نوعی باز)، «شلف» «çelfa»... و عموماً همه این نامها را با افزودن کلمه «گل» به کار می‌برند. مانند: «آلیج گل»، «شلف گل» و... .

- ۴ - قسمت عمدتاً نقش‌ونگارها، همانطور که در مقاله «ترکمنهای ایران - بررسی زمینه‌های اجتماعی» و در شماره شصت و دوم «هنر و مردم» به طبع رسیده است، از «تغ» (تشان) ها و «اونقون» (توتم) هائی اخذ شده‌است که ترکمنان تا قرون هفتم و هشتم هجری می‌شناختند.
- ۵ - لازم است یادآوری شود که بافنده‌های ترکمن نقشه‌های قالی و قالیچه‌هاشان را پیش از بافندگی روی کاغذ ترسیم نمی‌کنند. ولی ضمن بافندگی، محل آغاز و انجام هر نقشی را در زمینه قالیچه می‌دانند و با مهارت بکار می‌برند.

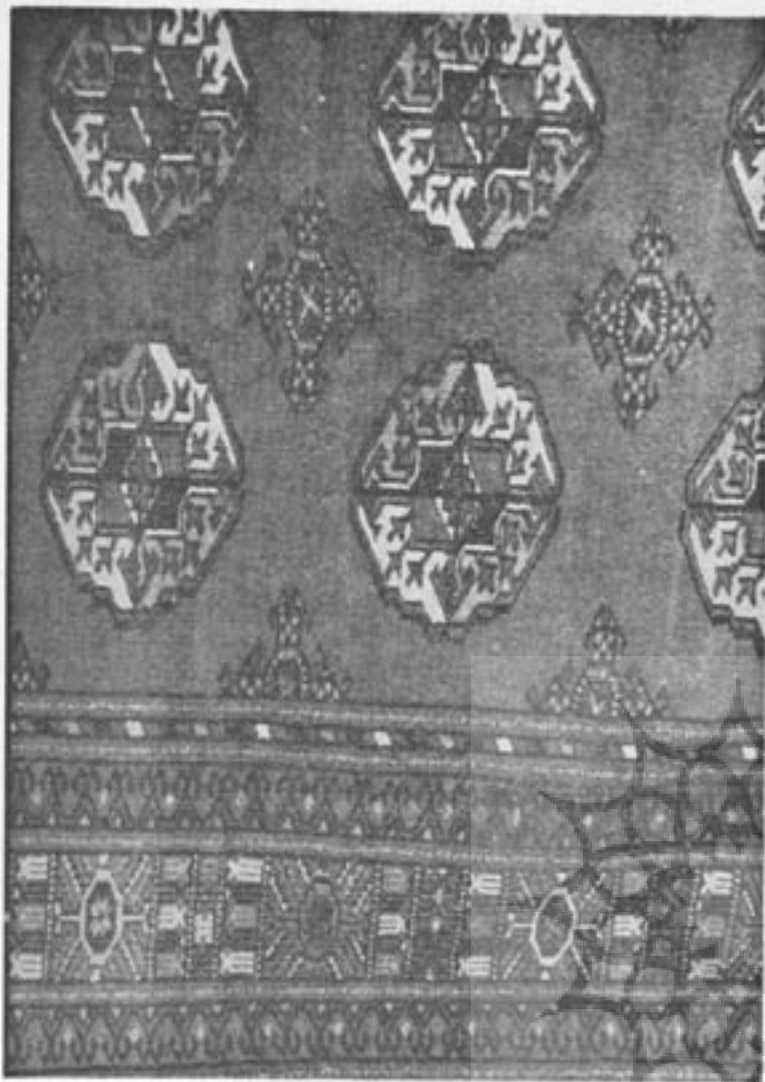


قالیچه ترکمنی و مقایسه ترکیب بندی نقوش آن با طرح اساسی يك قالیچه لچک ترنج از کاشان.

لوله نمد را بمالند در جایی از حیاط کمی گاه پهن می کنند و چهار نفر آن را روی کاهها بادوقطعه ریسمان بلند که در دوسر لوله پیچانده اند می مالند . گاهی هم پسران جوانی که نمد عالی از آنان ساخته است ، به زنان کمک می کنند . بعد از آن که یکی دوساعت لوله نمد را مالیدند ، دوباره آن را به اتاق یا ایوان می برند و لوله را باز می کنند و روی دیگر نمد را هم نقش می اندازند و بر جاهائی که نازک شده است چند تنگه پشم می افزایند و دوباره نمد را با همان قامیش می پیچند و باز هم به حیاط می برند و یکی دوساعت دیگر آن را می مالند . آنوقت لوله را باز می کنند و این بار نمد را جدا از قامیش به دور خود می پیچند و درحالی که یکی از زنان گهگاه بر روی نمد آب می پاشد ، بقیه زنان نمد را با دستهایشان می مالند . با وجودی که نمد عالی کار پر زحمت و خسته کننده است ، معهذاً چون زنان با کمک هم و همراه با خوشمزگی ها و صحبت های زنانه خود به آن مشغول می شوند ، خستگی کارشان را به مراتب کمتر احساس می کنند . نقش نمدها برخلاف نقش قالیچه ها خطوط منحنی دارد . برای نقش های نمد هم نام هایی می شناسند : « دیسی گتزر - diya goz » (چشم شتری) ، « قوج » (قوچ) ، « ساری چیین -

نمد عالی از قالی بافی کمتر معمول است و عموماً آن را برای استفاده خود تهیه می کنند . ولی شور و حالی که در نمد عالی به کار می رود به مراتب بیشتر از قالیچه بافی است . زنی که قصد داشته باشد برای خانه یا آلاچیق خود نمدی تهیه کند ، پس از فراهم آوردن پشم ، زنان همسایه را خبر می کند تا در روزی که نمد عالی دارد به کمک او بیایند . یکی از زنان پشم را با ترکیبی حلاجی می کند و زنان دیگر در اتاقی گرد هم می نشینند و پشم های حلاجی شده را ، ضمن گفتگو ، نکه نکه بر روی يك قطعه « قامیش » qâmiç « پهن می کنند . بعد هم ، برای آن که نمد نقش دار باشد ، پشم های رنگین را با طرح های گوناگون بر روی زمینه اصلی آن می چینند . در این کار ، همه زنان ، چنان ذوق و شوقی نشان می دهند که صاحب نمد در آن میان شناخته نمی شود .

بعد از این که يك روی نمد را با پشم های رنگین نقش کردند ، آن را با همان قامیش به دور خود لوله می کنند و دورش را با ریسمان محکم می پیچند تا در وقت مالاندن باز نشود . آنوقت این لوله را به حیاط می برند و چند سطل آب روی آن می ریزند تا همه پشم ها کاملاً خیس شود . برای آن که



راست: سجاده قالی بافت اثر دیگری از بافنده‌های اینجه‌برونی. چپ: قسمتی از نقش‌ونگارهای يك قالی که در اینجه‌بورون بافته شده‌است

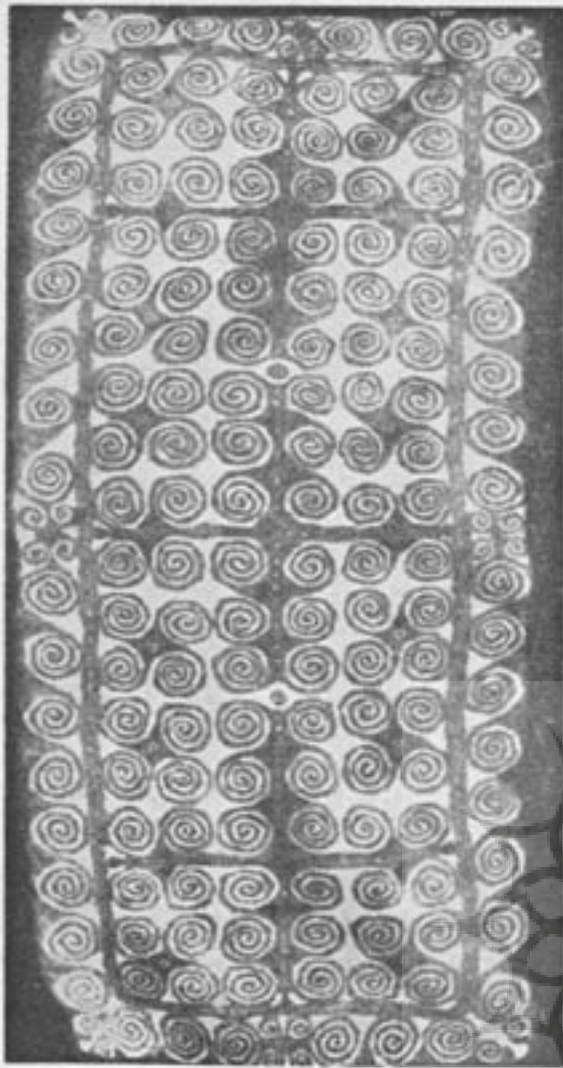
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پرتال جامع علوم انسانی

و حوصله و دقت زیاد سوزن‌دوزی می‌کنند بسیار ظریف و زیباست.

۶- «قوج» و «شاخ قوج» برای همه ترکمنها و در قسمت عمده‌ای از آسیای میانه نشانه قدرت شناخته شده‌است. نقش «شاخ قوج» نه فقط در بافتنی‌ها بلکه در سرستون چوبی خانه‌ها و نیز در سنگ قبرهای ترکمنی‌هم آمده است. در این مورد مراجعه شود به دومین و سومین مقاله راجع به «ترکمنهای ایران» در شماره‌های پنجاه و شست و دوم «هنر مردم».

sâri ciyan «عقرب زرد»، «تیرانا tirânâ» (نام نوعی ماهی) ...

نقش «قوج» به شکل‌هایی بیش از نقشهای دیگر در هنرهای عامیانه اینجه‌بورونی‌ها بکار برده می‌شود. در گلیم‌ها و خورجین‌ها و نیز در سوزن‌دوزی‌ها هم نظیر همین نقش‌ها تکرار شده است. سوزن‌دوزی عمده‌ترین مشغولیت زنان و دختران اینجه‌بورونی است. نقش‌هایی که آنان با نخ‌های رنگین بر عرقچین‌های کودکان و بر مچ شلوارهای خود باحال



دو نماد باتش شاخ قوچی .

مشکات کاؤ عملہ مرادستانی و کمالیات فرہنگی
برقمان صالح علامہ مرادستانی

آرتیخ - وسیله‌ای که پوشین و بافتنی‌ها
را در آن جای می‌دهند و نیز هم‌چون
پشتی برای تکیه‌دادن‌هم به‌کارشان می‌آید.





بالا راست : نقشی دريك سجاده نمدي .
 بالا چپ : نقوش عاميانه خورجيني كه در اينچه بورون بافته شده است .
 وسط و بالين : عرق چين كودكان و مچ شلوار زنانرا موژن دوزي
 مي کنند .



پژوهش
 گروه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جمع علوم انسانی